

میراث فرهنگی ایران؛ ثروتی فراموش شده در گذر زمان



رسول وطن دوست

پیشکسوت حوزه میراث فرهنگی

میراث فرهنگی ایران در مواجهه با نیازهای جوامع در حال تغییر با چالش‌های زیادی روبه‌روست به‌طوری که عدم درک کافی از ارزش میراث فرهنگی به‌عنوان یک ثروت ملی و عدم معرفی مناسب آن، باعث بی‌توجهی مسئولین و مردم شده است.

به همین منظور تدوین یک برنامه راهبردی بلندمدت با مشارکت همگانی برای معرفی و حفاظت از این میراث و الگوبرداری از کشورهای موفق در این زمینه ضروری است.

برای بررسی بیشتر موضوع به سراغ رسول وطن دوست، پیشکسوت حوزه میراث فرهنگی آمده‌ایم تا از وی جویا شویم.

به نظر شما مهمترین چالش پیش‌روی میراث فرهنگی ایران در پاسخ به نیازهای جوامع در حال تغییر چیست و چه راهکارهایی را برای غلبه بر آنها پیشنهاد می‌کنید؟

متأسفانه ما هنوز به‌طور کامل متوجه نشده‌ایم که میراث فرهنگی چه ثروت عظیمی برای کشور است و علت این کاستی شاید غفلتی است که در طول چندین دهه گذشته نسبت به معرفی میراث فرهنگی به‌عنوان یک ثروت ملی و منبع فرهنگی که می‌تواند نقش خیلی عمده و تأثیرگذار در توسعه پایدار کشور داشته باشد، انجام نشده است.

جوامع کهنی مانند ایران، ایتالیا، چین، هند و... دارای ثروتی یکتا هستند، فرض کنید که در ایران کدام منبع ما لایزال بوده و در دنیا رقیب ندارد. به فرض مثال اگر در حوزه صنعت اگر توسعه پیدا کنیم، باید در هواپیماسازی، بویینگ‌سازی، اتومبیل‌سازی و یا با بنز باید رقابت کنیم. فرض کنید که منابع زیرزمینی

مثل نفت، معادن که نعمت‌های خدادادی هستند و شاید زمانی نیاز باشد که به فکر منابع دیگری باشیم، اما تنها منبعی که در درازمدت ارزش افزوده پیدا کرده و هر سال ارزش بیشتری را به خود اختصاص داده و در جهان یکتا و بی‌نظیر است؛ میراث فرهنگی سرزمین کهن ما ایران است.

واقعیت امر این است که هیچ‌کس میراث فرهنگی ایران را ندارد، حالا چه در بخش محوطه‌های تاریخی و چه در مورد شهرهای تاریخی، بناهای تاریخی و یا موزه‌ها، که متأسفانه به درستی معرفی نشده‌اند.

در ادامه بخش عمده‌ای از جامعه نسبت به میراث فرهنگی حساسیت لازم رو ندارند و حتی بخش عمده‌ای از مسئولین و تصمیم‌گیرندگان کشور نیز آنگونه که باید نسبت به میراث فرهنگی این دیدگاه را ندارند، بنابراین نیاز است تا این نگاه ایجاد شود.

حالا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید این دیدگاه را میان مسئولان و مردم ایجاد کرد؟ پاسخ این است که ما باید در این خصوص با هدف معرفی این ثروت ملی برنامه‌ریزی دراز مدت داشته باشیم. هر چند ممکن است که این معرفی یک نسل یا چند دهه به طول بیانجامد، اما چه ایرادی دارد؟ بالاخره ما اگر مدت زمان مثلاً ۵۰ سال، ۴۰ سال یا ۳۰ سال دیگر را در نظر بگیریم، بالاخره باید از حالا حرکت کرده تا به چشم‌انداز ۳۰ سال دیگر برسیم. برای اینکه در جوامع در حال توسعه یا در حال پیشرفت بشود از این میراث فرهنگی استفاده کرد، نیاز است تا یک برنامه راهبردی، نه به معنای برنامه راهبردی برای وزارت میراث فرهنگی؛ بلکه برنامه راهبردی برای میراث فرهنگی کشور به‌عنوان یک ثروت فرهنگی در کل جامعه در نظر بگیریم که وزارت میراث فرهنگی، صدا و سیما و مردم نیز بخشی از آن هستند. و رسانه‌ها از رسانه ملی گرفته یا سایت‌های خبری و خبرگزاری و... بخش دیگر آن که نیاز است همگی وارد این عرصه شده و دیده شوند و با تعویض دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان نیز در این برنامه خللی وارد نشود.

به این مفهوم که اگر روزی دولت دیگری سرکار آمد، این برنامه را به‌عنوان یه سرمشق قرار داده و به‌عنوان چشم‌انداز دنبال روی آن باشد. حالا ممکن است که در تغییر مدیریت‌ها یک مقدار سلیقه‌ها هم نقش داشته باشند؛ اما آن سلیقه‌ها نباید تأثیری بر رسیدن و ترسیدن به آن چشم‌انداز نداشته باشند. هر

چند چنین رویداد و دیدگاه بازی تاکنون اتفاق نیافته و به نظر می‌رسد که به سختی اتفاق بیفتد. من در حدود پنجاه سال است که در دستگاه میراث فرهنگی کار میکنم، اما همیشه این دغدغه را داشتم که چه خواهد شد؟ اما در نهایت امیدوارم و به جامعه ایران اطمینان دارم چرا که بالاخره جامعه‌ای که ۵ هزار سال ۶ هزار سال تاریخ مدون دارد و خیلی از بالا و پایین‌های دنیا را در تاریخ خودگذرانده و به چشم دیده و موفق بیرون آمده است؛ نمونه آن ادبیات فارسی است، بله ایران تنها کشوری است که توانسته در طول تاریخ توانسته است زبان خود را حفظ کند و این نشان‌دهنده این جامعه در طول تاریخ و گذر سالیان و رخداد حوادث تا چه میزان منعطف و صبور عمل کرده و خیلی از حوادث بزرگ تاریخی که کشورهای دیگر را کلاً از بین برده و کشور دیگری از آنها ساخته را؛ مردم و سرزمین ما به خوبی تحمل کرده و همچنان پابرجا باقی مانده است. به همین خاطر من فکر میکنم اگر تاریخ‌وار به موضوع نگاه کنیم، بله حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی ما همچنان ممکن است، فقط نیاز است که در نظام دانشگاهی و رسانه‌ای که شما و هر نوع رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده در این امر دارد، با تعریف و تدوین برنامه‌هایی مدون و هدفمند اقدام به فرهنگ‌سازی و معرفی درست این آثار شده و اقدام‌های کارشناسی لازم در این راستا شکل گیرد.

چطور می‌شود نسل جوان را به‌عنوان حافظان آینده میراث فرهنگی کشور درگیر این موضوع کرده و آنها را به‌عنوان سفیران حفظ هویت و فرهنگ ایران که بتوانند در این عرصه حضور فعال داشته باشند تربیت کرد؟

پاسخ شما نیازمند دو مثال است، یک برنامه به اصطلاح جوانان در یونسکو وجود دارد که البته یکی دو دهه اجرا می‌شده و حالا تمام شده است. به نظر من آن الگو می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای درگیر و دغدغه‌مند کردن جوانانمان باشد. برنامه دیگری که مرکز بین‌المللی مطالعه و حفاظت و مرمت آثار تاریخی در «روم» داشت که برنامه نسبتاً موفق بود، حالا شاید بگویند که بالاخره اینها الگوهای جهانی است و به دلیل تفاوت فرهنگی و اقلیمی و تاریخی و غیره نتوان آن را با فرهنگ ایرانی تطبیق داد؛ من هم به نوعی این دیدگاه را می‌پذیرم.

بنابراین به‌طور ویژه ما باید در حوزه آموزش کار کنیم، حالا حوزه آموزش یعنی چه؟ به این مفهوم که فقط شعار ندهیم و بگوییم که مثلاً میراث فرهنگی خیلی خیلی مهم است و فوق‌العاده اهمیت دارد. چرا که اینها تأثیر چندانی در جامعه نخواهد داشت، بلکه اگر در آن برنامه دراز مدت راهبردی، وزارت آموزش و پرورش خود را مکلف بدانند که از کودکان و

